و چه بسیار شهرها را که [مردمش‌] ستمکار بودند در هم شکستیم، و پس از آنها قومى دیگر پدید آوردیم. (11) پس چون عذاب ما را احساس کردند، بناگاه از آن مى‌گریختند. (12) [هان‌] مگریزید، و به سوى آنچه در آن متنعّم بودید و [به سوى‌] سراهایتان بازگردید، باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید. (13) گفتند: «اى واى بر ما، که ما واقعاً ستمگر بودیم.» (14) سخنشان پیوسته همین بود، تا آنان را دروشده بى‌جان گردانیدیم. (15) و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازیچه نیافریدیم. (16) اگر مى‌خواستیم بازیچه‌اى بگیریم، قطعاً آن را از پیش خود اختیار مى‌کردیم. (17) بلکه حق را بر باطل فرو مى‌افکنیم، پس آن را در هم مى‌شکند، و بناگاه آن نابود مى‌گردد. واى بر شما از آنچه وصف مى‌کنید. (18) و هر که در آسمانها و زمین است براى اوست، و کسانى که نزد اویند از پرستش وى تکبّر نمى‌ورزند و درمانده نمى‌شوند. (19) شبانه روز، بى‌آنکه سستى ورزند، نیایش مى‌کنند. (20) آیا براى خود خدایانى از زمین اختیار کرده‌اند که آنها [مردگان را] زنده مى‌کنند؟ (21) اگر در آنها [=زمین و آسمان‌] جز خدا، خدایانى [دیگر] وجود داشت، قطعاً [زمین و آسمان‌] تباه مى‌شد. پس منزّه است خدا، پروردگار عرش، از آنچه وصف مى‌کنند. (22) در آنچه [خدا] انجام مى‌دهد چون و چرا راه ندارد، و[لى‌] آنان [=انسانها] سؤال خواهند شد. (23) آیا به جاى او خدایانى براى خود گرفته‌اند؟ بگو: «برهانتان را بیاورید.» این است یادنامه هر که با من است و یادنامه هر که پیش از من بوده. [نه!] بلکه بیشترشان حق را نمى‌شناسند و در نتیجه از آن رویگردانند. (24)